

## گذری بر عرصه نمایه‌سازی

### نقد و بررسی مقایسه‌ای چهار کتاب در حوزه نمایه‌سازی

● محمد حسن زاده\*

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

#### مقدمه

گسترش منابع اطلاعات و افزایش ضرورت دستیابی افراد به محتوای منابع اطلاعاتی از یک سو و کمبود شدید وقت محققان برای مرور همه مطالب کتاب‌ها و سایر منابع اطلاعاتی از جمله عواملی هستند که پرداختن به نمایه‌سازی در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی را تشویق و ترغیب می‌کند تا این حوزه از اطلاع‌رسانی و اشاعه اطلاعات بیشتر مورد توجه قرار گیرد. تألیف و انتشار کتاب‌ها و مقالات مختلف نشانه بارز این گرایش در رشته می‌باشد. در این نوشتار، چهار کتاب در حوزه نمایه‌سازی مورد بررسی و معرفی مقایسه‌ای قرار می‌گیرد.

#### تنظیم نمایه

۱ - کتاب هنر نمایه‌سازی از دو پیش‌گفتار (سرپرست مجموعه و مؤلف)، چهار مبحث کوتاه در قالب «پیش از آغاز» و هشت بخش تشکیل شده است. در پیش‌گفتار نخست، سرپرست مجموعه، هدف از نشر مجموعه‌ای را تبیین می‌کند که برای راهنمایی دست‌اندرکاران حوزه نشر تدوین شده است. البته در این پیش‌گفتار نشانی از عنوان کتاب حاضر وجود ندارد. به نظر می‌رسد که پیش‌گفتار مذکور برای آثار پیشین تهیه شده و بدون تغییر در کتاب حاضر نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در پیش‌گفتار مؤلف آمده است که کتاب حاضر به طرح مسائلی در پیوند با نمایه‌سازی پرداخته است و این مسائل در سه گروه اصلی قابل تقسیم می‌باشد:

– تعریف سبک در نمایه‌سازی و چگونگی تنظیم شیوه‌نامه اختصاصی برای هر ناشر یا هر بخش تخصصی از تشکیلات ناشر. – استانداردهای بین‌المللی نمایه‌سازی<sup>۱</sup>

مؤلف، نمایه‌سازی را نشانه‌نوعی تفکر دانسته است که حاکی از نظم علمی برای ایجاد دسترسی به تمام اجزایی از متن است که برای خواننده اهمیت دارد. مؤلف در مقدمه خود آورده است: «در این کتاب تلاش کرده‌ایم نکته‌ای ناگفته نماند و استنادمان هم به استانداردهای (احتمالاً استانداردهای) مورد قبول همگان باشد.»

در قسمت «پیش از آغاز» تحت عنوان فرمانا به اهمیت نمایه اشاره شده و نقل قولی از ادوارد کوک آمده است که: هیچ کتابی آنقدر خوب نیست که با افزودن نمایه بهتر نشود، و هیچ کتابی آنقدر بد نیست که با افزودن این ضمیمه از بدترین نکوهش‌ها رهایی نیابد. در ادامه به مخاطبان کتاب اشاره شده است که عبارت‌انداز:

– تعریف نمایه و کاربری‌های آن و انواع روش‌های تولید و



● علیرضا پورممتاز و شهره مدرسی تهرانی - هنر  
نمایه سازی، زیر نظر محمد رنجبری - تهران: مؤسسه  
خانه کتاب، ۱۳۸۲، بیست و چهار + ۳۲۴  
صفحه، وزیری، شومیز

دیگر صرفاً در بخش اول کتاب خیلی مختصر مورد بررسی قرار گرفته است نه در کل کتاب.

از آنچه که در قسمت «پیش از آغاز» کتاب برمی آید بین گستره موضوعی، آنچه که کتاب خواهد آموخت و فهرست مندرجات کتاب همخوانی کامل وجود ندارد. در برخی موارد آنچه در محتوای کتاب آمده است خیلی فراتر از آن چیزی است که در ابتدا معرفی شده است. طبق آنچه در فهرست مطالب آمده است، بخش های هشتگانه کتاب عبارت انداز:

- بخش اول، کلیات
- بخش دوم، کارکردن با موضوعات
- بخش سوم، تولید نمایه
- بخش چهارم، تکمیل نمایه
- بخش پنجم، ملاحظات نوین
- بخش ششم، پیوست ها
- بخش هفتم، نمایه
- بخش هشتم، استانداردهای نمایه سازی

در بخش اول کتاب ابتدا کلیاتی ارائه شده است که چرایی نمایه سازی و ارزش افزایی آن، کارکردهای نمایه و ویژگی های یک نمایه ساز خوب را مورد بررسی قرار می دهد. این بخش از هفت فصل تشکیل شده است که با توجه به اهداف تعیین شده از سوی مؤلف برای خوانندگان، تقریباً به جز سه مورد (ساختن نمایه، ویرایش نمایه و تعیین اندازه و قالب نمایه) همه اهداف بیان شده را در برمی گیرد.

در این بخش صحت، عمق نمایه، ایجاز، ارجاعات فرعی و انتخاب منطقی عنوان ها به عنوان پنج معیار برای نمایه خوب معرفی شده و معیارهای انجمن نمایه سازان آمریکا نیز آورده شده است.

- نویسندگان فنی که مسوول تهیه نمایه برای اسناد و مدارک، گزارش ها و سایر اطلاعات و اخبار هستند

- ویرایشگران فنی که کارشان ویرایش نمایه هاست  
- نمایه سازی که مایل هستند مطالب بیشتری در مورد شیوه ها و فنون نمایه سازی بیاموزند  
- مدیران نویسندگان فنی که باید نمایه های خوبی تولید کنند.  
گستره موضوعی و آنچه که کتاب به مخاطبان خود ارائه خواهد داد به صورت زیر مورد اشاره قرار گرفته است:

- کارکرد نمایه های فنی
- چگونگی برآورد زمان نمایه سازی و طول نمایه
- مراحل اساسی برای نمایه سازی درست
- چگونگی انتخاب مدخل ها و زیر مدخل های اصلی
- چگونگی تأکید بر ارجاع (ارجاعات) صفحه ای مهم
- چگونگی استفاده از قواعد دستوری خاص برای نمایه سازی
- چگونگی استفاده کارآمد از نرم افزار نمایه سازی
- چگونگی تهیه ارجاعات فرعی
- مؤلف در ابتدا هفت مرحله اصلی را برای تهیه نمایه ای بهتر بر شمرده و مدعی شده است که کتاب حاضر به بررسی آن هفت مرحله می پردازد:

- تعریف نمایه
- مشخص کردن نمایه
- پی بردن به کارکردهای نمایه
- توصیف عناصر عمده تشکیل دهنده نمایه
- تعیین اندازه و قالب نمایه
- ساختن نمایه
- ویرایش نمایه از نظر محتوا و قالب
- البته در متن کتاب به برخی از این ها اشاره شده است و برخی

کردن عنوان‌ها و ترتیب دهی الفبایی مباحث پایانی این بخش را به خود اختصاص می‌دهد.

بخش سوم که به نظر می‌رسد هسته فکری مؤلف باشد با عنوان «تولید نمایه» در قالب ۵ فصل تنظیم شده است که عناوین فصول عبارت است از:

- ایجاد ارجاعات فرعی
- کارکردن با مکان‌ها
- تهیه کارت‌های نمایه
- خودکارسازی فرایند
- تهیه نمایه‌های مادر

ارجاعات فرعی موردنظر مؤلف در این کتاب ارجاع "See" و "See also" است که به صورت «نگا» و «نیزنگا» ترجمه کرده است. جدای از اینکه ترجمه این واژه در متون فارسی به صورت‌های مختلف در متون مختلف انجام می‌شود، واژه See یک فعل امری کامل است. چنین به نظر می‌رسد که ترجمه آن نیز بایستی یک فعل امری باشد مانند «نگاه کنید» یا «نگاه شود». در غیر این صورت با توجه به کاربرد بسیار کم مخفف‌ها در زبان فارسی مطمئناً خوانندگان در فهم آن دچار مشکل خواهند شد. علاوه بر آن هیچ اشاره‌ای هم در پانویس یا جای دیگر نشده است که نشان دهد «نگا» و «نیزنگا» ترجمه چه واژه‌ای است.

مؤلف با معرفی دو نوع ارجاع فرعی مذکور محل قرارگرفتن آن‌ها و قواعد لازم را همراه با مثال‌های مختلف آورده است. فصل بعدی مکان‌ها را معرفی کرده و به دنبال آن روش کار تهیه کارت‌های نمایه ارائه شده است. در قسمت خودکارسازی فرایند، مفهوم خودکارسازی، انواع نرم‌افزارهای نمایه‌سازی، فرایند وارد کردن اطلاعات و تذکراتی در مورد زمان خودکارسازی فرایند نمایه مورد بحث قرار گرفته است. فصل پایانی این بخش تهیه نمایه‌های مادر است که استفاده از اعداد و عنوان‌های کوتاه نوشت و نظیر آن را مورد توجه قرار می‌دهد. البته قابل ذکر است که استفاده از انواع اعداد (یونانی یا عربی) در متون لاتین کاربرد دارد. بنابراین لازم بود که مؤلف محترم این قسمت از کتاب را با توجه به نیازهای خاص نمایه‌سازان متون فارسی تألیف می‌کرد. چون ترجمه و آن هم ترجمه صرف مثال‌ها کافی نیست. به عنوان نمونه در فارسی برای نوشتن تعداد جلد‌ها از اعداد معمولی استفاده می‌شود که تقریباً متفاوت از متون غیرفارسی است. استفاده از کوتاه نوشت‌ها نیز

در فصل ۷ از بخش نخست مؤلف به ذکر یک سؤال پرداخته است که عبارت است از:

What act that roars so loud and thunders in Index?

گرچه ترجمه این پرسش به زبان فارسی، اهداف فصل بیان شده است. از اهداف بیان شده چنین برمی‌آید که نگاه پرسشگرانه به نمایه و نمایه‌سازی و روش‌های پرسیدن پرسش‌های مناسب و تلقی نمایه به عنوان یک محصول درون‌نمایه اصلی این فصل را تشکیل می‌دهد. از جملات و محتوای بخش اول کتاب چنین برمی‌آید که این بخش ترجمه یک متن غیرفارسی است، ولی چون منبع آن مشخص نشده است، نمی‌توان در مورد صحت و سقم آن قضاوت نمود.

بخش دوم کتاب با عنوان کارکردن با موضوعات از شش فصل تشکیل شده است که عبارت‌اند از:

۱. تعریف عناصر نمایه
۲. انتخاب موضوعات
۳. توصیف موضوعات
۴. مرتب کردن عنوان‌ها
۵. برخورد با موارد خاص
۶. ترتیب دهی الفبایی نمایه

شماره‌گذاری فصل‌ها در زیربخش‌های مختلف به صورت مستمر بوده است. بنابراین شماره‌گذاری آن‌ها برای هر فصل از ابتدا شروع شده است.

در تعریف عناصر نمایه چنین آمده است: نمایه از مدخل‌ها تشکیل شده است. هر مدخل از دو عنصر تشکیل می‌شود - یک موضوع و یک مکان نما (که می‌تواند شماره صفحه یا ارجاع فرعی باشد). پس از تبیین سطوح مدخل‌ها، مؤلف مکان‌ها را به صورت مختصر توضیح داده است.

در ادامه چگونگی انتخاب موضوع اصلی برای نمایه‌سازی مورد توجه قرار گرفته است. کلمات، عبارات، جمله‌ها، پاراگراف‌ها، فصل‌ها، جدول‌ها، مدخل‌های جدول، مثال‌ها، نمودارها، مفاهیم و ایده‌ها از جمله منابعی ذکر شده است که نمایه‌ساز می‌تواند موضوعات مورد بررسی کتاب و یا هر مدرک دیگر را تشخیص دهد. مبحث دیگری که در همین ارتباط مورد توجه مؤلف قرار گرفته است، توصیف موضوعات می‌باشد. در این باره با ذکر مثال‌های لازم، مصداق‌های مطلب مورد بحث از جمله مترادف‌ها، گروه‌بندی‌ها، استفاده از زیرمدخل‌ها و... توضیح داده شده است. شیوه مرتب

کاربرد چندانی در متون فارسی ندارد.

بخش چهارم کتاب با عنوان «تکمیل نمایه» در قابل ۵ فصل با عناوین:

- قالب بندی نمایه
- مدیریت نمایه
- ویرایش نمایه
- آزمون نمایه

- راهنمایی هایی در مورد نمایه سازی

تدوین شده است، این بخش به صورت کلی کارهایی را توضیح می دهد که برای تکمیل نمایه سازی مفید می باشد. این مطالب از شیوه آرایش صفحه تا انواع قلم ها و نظیر آن متفاوت می باشد. محاسبه زمان و هزینه نمایه سازی نیز باید مدیریت در این بخش مورد بحث قرار گرفته است. مثال های عینی ارائه شده از زمان بندی و هزینه بای کارنمایه سازی می تواند برای نمایه سازان بسیار مفید واقع شود. با توجه به ۵ معیاری که در فصل های قبلی به عنوان ویژگی یک نمایه خوب مطرح شده بود، شیوه آزمون نمایه توضیح داده شده است. دوازده نکته به عنوان راهنمای نمایه سازی و برخی بایدها و نبایدها پایان بخش این بخش از کتاب می باشد. این بخش از این کتاب با توجه به اینکه موارد عینی و عکس العمل هایی را در بر می گیرد که جهانی هستند، بسیار مفید می باشد.

بخش پنجم کتاب از دو فصل تشکیل شده است: الف - نمایه سازی بر خط، ب - استانداردهای نمایه سازی. با توجه به اینکه پانویس واژه های معادل در کتاب آورده نشده است، بنابراین نمی توان به صورت قطعی در مورد معادل های لاتین واژه ها قضاوت کرد. اما چنین برمی آید که واژه «برخط» به جای واژه "Online" مورد استفاده قرار گرفته است. در این قسمت نمایه سازی دستی و ماشینی مقایسه شده و برخی از مفاهیم آن ها مورد اشاره قرار گرفته است. این فصل بسیار مختصر است و در واقع به معرفی مجمل نمایه سازی برخط می پردازد، نه راه ها و روش های عملی آن. در فصل مربوط به استانداردهای نمایه سازی ابتدا لزوم وجود استانداردها، سازمان های بوجود آورنده استانداردها به صورت مختصر مطالبی آورده شده است. این بخش از کتاب صرفاً به معرفی پرداخته است. بنابراین نمی تواند به عنوان دستورالعمل یا راهنمای نمایه سازی عمل کند و می توان گفت که هم وزن با بخش های پیشین کتاب نیست که به طور مفصل و عملی تر مباحث مربوطه را

ارائه نموده اند.

بر خلاف روال عادی که پیوست کتاب معمولاً در پایان آورده می شود. در کتاب حاضر، پیوست ها تقریباً در اواسط کتاب و تحت عنوان بخش ششم آورده شده است. این امر نشان دهنده آن است که نظم کتاب از یک نظم معقول و اصولی تبعیت نکرده است. به عنوان نمونه کتابنامه پیوست الف بخش ششم می باشد، اصولاً کتابنامه یا فهرست منابع و مأخذ پس از پایان متن کتاب آورده می شود. پیوست ب، ارجاع فرعی «نیز نگا» را ارائه داده است. پیوست های بعدی عبارت اند از: واژه نامه، نمونه ها و شیوه نامه اختصاصی نمایه سازی. نکته مهم این است که این مطالب نبایستی در قالب یک بخش بلکه به روش اصولی که معمولاً در کتاب ها رعایت می شود، آورده می شد. بخش هفتم نیز نمایه کتاب را شامل می شود که مشکل بخش پیش تکرار شده است و نمایه نمی تواند یک بخش تلقی شود. پس از اتمام نمایه در صفحه ۲۳۶، قسمتی با عنوان «اطلاعات و مستندسازی - راهنمایی هایی برای مضمون، سازماندهی و ارائه نمایه» آورده شده است که ترجمه ای از استاندارد ISO999 می باشد.

این قسمت در فهرست مندرجات و یا در هیچ کدام از بخش ها مورد اشاره قرار نگرفته است.

بنابراین بین فهرست مندرجات که به بخش هشتم اشاره کرده است و عنوان مذکور به صورت عنوان فرعی در زیر آن آمده است در متن کتاب به همان صورت رعایت نشده است. در پایان استاندارد بین المللی ISO5963 ویراست اول سال ۱۹۸۵ ترجمه شده است که بسیار قدیمی است.

\*\*\*

کتاب هنر نمایه سازی با اینکه به لحاظ محتوایی، مطالب قابل استفاده ای را ارائه داده است اما از چندین نظر قابل تأمل است که می تواند در چاپ های بعدی مورد توجه ناشر و مؤلف محترم قرار گیرد.

۱. وقتی که در روی جلد کتاب، واژه ترجمه و تألیف مقابل اسم پدید آور قید می شود، خواننده توقع دارد که مطالبی بومی و دربر گرفته از فکر، ذهن و یافته های تحقیقاتی یا مرور نظری پدید آور را به صورت عینی در متن کتاب احساس کند. در کتاب حاضر این اصل رعایت نشده است تمامی مطالب کتاب ترجمه شده است



● محمد رضا محمدی فر . مبانی نمایه‌سازی،  
تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان  
چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱، هیجده + ۴۰۲  
صفحه، رقعی، شومیز .

عملی پیش روی نمایه‌سازان و متخصصان قرار خواهد داد که نتیجه آن هر چه پربارتر شدن پایگاه‌های اطلاعاتی و تسهیل دستیابی به محتوای منابع اطلاعاتی است.

کتاب مبانی نمایه‌سازی از یک مقدمه، چهار فصل، دو پیوست، کتابنامه، فهرست الفبایی و نمایه تشکیل شده است که عبارت انداز:

۱. فصل آشنایی با فهرست
۲. فصل مفاهیم اساسی نمایه‌سازی
۳. فصل روش‌شناسی نمایه‌سازی
۴. فصل شیوه‌نمایه‌سازی
- پیوست الف: حروف عربی و اردو
- پیوست ب: سازمان‌ها و انجمن‌های نمایه‌سازی
- کتابنامه
- فهرست الفبایی
- نمایه

مؤلف در مقدمه کتاب خود با اشاره به ضرورت نمایه‌سازی به توجیه اهمیت آن پرداخته و مطالب مورد بحث در کتاب را معرفی کرده است. به نظر مؤلف، نمایه‌سازی می‌تواند بازدهی آموزش را در حد وسیعی افزایش دهد؛ می‌تواند امکانات فوق‌العاده‌ای برای پژوهش‌های اجتماعی و علمی فراهم سازد؛ و می‌تواند بازدهی طرح‌های اقتصادی و فرهنگی را افزایش دهد. اصولاً پیشبرد اغلب امور آموزشی و اقتصادی و فرهنگی بدون نمایه‌سازی روش مند و شیوه‌مند غیر ممکن است.

فصل نخست کتاب، ابتدا در قالب مقدمه‌ای، فهرست را مورد بررسی قرار داده است که البته فهرست جایگزین و معادل خوبی برای واژه "List" نمی‌باشد. بنابراین بهتر می‌بود جهت تمایز دو

و در موارد بسیار معدود مثال‌هایی به فارسی آورده شده است.

۲. در مقدمه مؤلف انتظار می‌رود که شیوه گردآوری مطالب معرفی شود. در حالی که در کتاب هنر نمایه‌سازی مؤلف به کتابی که مطالب از روی آن ترجمه شده است، هیچ اشاره‌ای نکرده است و در پایان کتاب نیز فهرست منابع و مأخذی آورده نشده است تا خواننده بتواند منبع الهام فکری پدیدآور را تشخیص و در صورت نیاز پیگیری نماید. کتابنامه‌ای در قالب پیوست آورده شده است که منابع پیشنهادی است نه مأخذ واقعی کتاب.

۳. به هم ریختگی مطالب به لحاظ عدم ارتباط اصولی بین اجزای کتاب حداقل در نگاه ظاهری خواننده را سردرگم می‌کند. خواننده انتظار دارد که یک کتاب یک مقدمه داشته باشد. پس از مقدمه، متن و پس از متن، پیوست‌ها آورده شود. اصولاً هر بخش به فصل‌هایی تقسیم می‌شود که شماره‌گذاری خاص آن بخش را رعایت می‌کند. در کتاب حاضر برای همه فصل‌ها از یک شماره‌گذاری استفاده شده است در حالی که در زیربخش‌های مختلف قرار دارند. پیوست‌ها در قالب یک بخش آورده شده است که مرسوم نیست. پس از پیوست‌ها هنوز بخش پایانی کتاب ادامه دارد.

۴. در برخی موارد مشکل ترجمه به چشم می‌خورد به عنوان نمونه در صفحه ۱۷۷ آمده است:

... تهیه فهرست، طبقه‌بندی، ترتیب‌دهی، جمع‌آوری و پس‌انداز از نشانه‌های شخصیت دقیق او بود. در این متن واژه پس‌انداز با واژه‌های پیشین خود چندان سنخیت ندارد و از آنجایی که پانویس لاتین ندارد بنابراین نمی‌توان راجع به معادل آن قضاوت کرد. و یاکارت به جای برگه استفاده شده است که دیگر رایج نیست. با همه این موارد، با توجه به اهمیتی که نمایه‌سازی در ذخیره و بازیابی اطلاعات دارد تألیف کتاب‌هایی از این قبیل، راهنماهایی

مفهوم "Catalog" و "List"، از واژه سیاهه استفاده می‌شد. یک مشکلی که از همان ابتدا در این کتاب چشم خواننده را به خود جلب می‌کند، وجود تعداد زیاد واژه‌های لاتین در داخل کروشده در داخل متن است. مؤلف محترم می‌توانست با استفاده از پانویس این مشکل را تا حد قابل توجهی حل نماید. در این فصل به صورت مفصل و جزئی به همراه مثال‌های فراوان واژه سیاهه را مورد بررسی قرار داده. و قواعد مربوط به شیوه ترتیب‌بندی آن‌ها را توضیح داده است. چنین به نظر می‌رسد که مبنای نظری مؤلف برای پرداخت مفصل به سیاهه این بوده است که نمایه نوعی سیاهه است و قواعد حاکم بر سیاهه در نظام‌های بازیابی اطلاعات ممکن است در مورد نمایه نیز صادق باشد. البته چون توضیحاتی در این باره نداده است، بنابراین نمی‌توان حکم قطعی در این زمینه صادر کرد. به هر ترتیب این فصل می‌تواند اطلاعات عمومی خوبی در اختیار خوانندگان قرار دهد، ولی با توجه به اینکه اکنون برای تنظیم الفبایی از کامپیوترها بهره می‌گیرند بنابراین، پرداختن به ترتیب حروف خیلی ضروری نیست.

در فصل دوم کتاب با عنوان «مفاهیم اساسی» ابتدا دو مفهوم اساسی کلید واژه و توصیفگر تبیین و تعریف شده و کاربردها و انواع آن‌ها توضیح داده شده است. از جمله مباحث مفیدی که در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است بررسی روش‌های تجربی انتخاب کلید واژه و کاربرد تزاروس برای یافتن کلید واژه‌هاست. پس از تبیین این دو مفهوم، به معرفی نمایه پرداخته است که سیاهه از کلید واژه‌هاست که دو ویژگی اساسی دارد:

الف - دارای ترتیب الفبایی است، و در نتیجه، یافتن یک کلید واژه در آن به سرعت انجام می‌پذیرد.

ب - هر مدخل آن دارای نشانی کلید واژه است. در نتیجه با مراجعه به نشانی داده شده در مدخل نمایه به آسانی می‌توان مطلب مورد نظر را در کتاب پیدا کرد.

مؤلف بحث مربوط به ارجاعات در نمایه‌سازی را نیز در همین فصل آورده است.

فصل سوم کتاب به روش‌شناسی نمایه‌سازی می‌پردازد که متفاوت از شیوه‌نامه نمایه‌سازی است. در این فصل ابتدا طی مثال‌های عینی کاربرد نمایه‌سازی ارائه شده است. سپس رویه نمایه‌سازی به شکل‌های سنتی و کامپیوتری را بررسی می‌کند. در حین انجام این کار مؤلف، توصیه‌هایی برای نمایه‌سازان ارائه داده

و برخی از نرم‌افزارهای نمایه‌سازی خودکار را معرفی کرده است. سطح‌بندی و ترتیب‌بندی نمایه، مباحثی مربوط به جستجوی اطلاعات نمایه‌ای و علامت‌گذاری فرامتنی در نمایه‌سازی، ویرایش نمایه از جمله مطالبی است که در این فصل مورد توجه مؤلف قرار گرفته است. آموزش نمایه‌مطلب دیگری است که مؤلف به آن اشاره کرده و راهکارهایی را ارائه داده است. در قالب همین مبحث لزوم مشارکت جامعه تخصصی کشور در نمایه‌سازی و هم‌چنین نمایه‌سازی متنی مواد آرشیوی و نمایه‌سازی پایگاه‌های وب نیز بررسی شده است. نمایه‌سازی پایگاه‌های وب به دو شاخه مجزا تقسیم شده است:

۱. نمایه‌سازی برای مؤسسات دارنده ماشین جست‌وجو.

۲. نمایه‌سازی برای پایگاه‌های وب که به بهینه‌سازی ماشین جست‌وجو نیاز دارند.

مؤلف در پایان این فصل نحوه کار و راه‌اندازی یک دفتر نمایه‌سازی را مورد توجه قرار داده است که برای مبتدی‌ها و افرادی که به دنبال کار تخصصی و حرفه‌ای هستند، بسیار مفید می‌باشد.

فصل چهارم کتاب شیوه‌نامه‌سازی را در برمی‌گیرد. یعنی نحوه نمایش و حروف‌چینی و صفحه‌آرایی کلی نمایه و مدخل‌های آن بررسی می‌گردد. به اعتقاد مؤلف چندین شیوه‌نامه‌سازی معتبر وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. شیوه‌آمریکایی، که عملاً همان شیوه‌نامه شیکاگو است، هر چند رسماً دارای استاندارد ملی است؛

۲. شیوه‌بریتانیایی، که مهم‌ترین نماینده آن شیوه‌نامه آکسفورد است. هر چند رسماً دارای استاندارد ملی (BSI) است.

کتاب حاضر، عملاً نخستین شیوه‌نامه نمایه‌سازی فارسی محسوب می‌شود که قواعد آن در درجه اول براساس ویژگی‌های خط و زبان فارسی (و عربی و اردو) تعیین شده‌اند، اما قواعد، تا جای ممکن با شیوه‌نامه‌های آمریکایی و بریتانیایی وفق داده شده‌اند. در همه موارد به هر دو شیوه‌آمریکایی و بریتانیایی نیز اشاره شده است. در ضمن در کتاب حاضر، شیوه‌نامه‌سازی نمادهای انگلیسی نیز همراه فارسی آورده شده است.

در این فصل شیوه‌های شماره‌گذاری کلید واژه‌ها، اشکال، جداول و نظیر آن در نمایه‌های یک‌سطحی و چندسطحی و ارجاعات مختلف همراه با مثال‌های فارسی و انگلیسی به صورت مفصل توضیح داده شده است.



● ماندانا صدیق بهزادی و شیرین  
تعاونی (خالقی)، اصول نمایه‌سازی  
بر اساس استاندارد ایزو ۹۹۹-۱۹۹۶،  
تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی  
ایران، ۱۳۸۱، هشت + ۷۵  
صفحه، وزیری، شومیز

انگلیسی و انگلیسی به فارسی بگنجانند که خوانندگان بتوانند از آن استفاده کنند.

۴ کتاب اصول نمایه‌سازی بر اساس استاندارد ایزو ۹۹۹-۱۹۹۶ از یک پیشگفتار و ۹ قسمت، یک پیوست شامل واژه‌نامه و کتابنامه و نمایه تشکیل شده است. قسمت‌های این کتاب عبارت‌اند از:

۱. دامنه
۲. منابع پیشنهادی
۳. تعریف‌ها
۴. هدف نمایه
۵. انواع نمایه
۶. کنترل کیفیت
۷. محتوا و سازماندهی
۸. تنظیم‌شناسه‌ها
۹. نمایش نمایه‌های چاپی

در پیشگفتار کتاب آمده است، امروزه اهمیت، سودمندی و ضرورت استانداردها در عرصه‌های گوناگون فعالیت بشری امری آشکار و تردیدناپذیر بشمار می‌آید. با پرهیز از تعاریف مفصل و دقیق اصطلاح «استاندارد» می‌توان گفت که به طور کلی آنچه را که به عنوان قاعده، مبنا و نمونه‌ای سازگار برای قیاس در امر سنجش یا داوری پیرامون کارایی، کمیت، محتوا، ارزش و کیفیت تعیین و تثبیت می‌شود «استاندارد» گویند.... با توجه به اهمیت و نقش بسزای نمایه‌ها در باز یابی اطلاعات موجود در مدارک و کاربرد وسیع آن‌ها در انجام کارهای پژوهشی در این استاندارد سعی شده است

در پیوست الف - حروف الفبای عربی و حروف الفبای اردو و اعراب آن‌ها آورده شده است.

در پیوست ب - اسامی سازمان‌ها و انجمن‌های نمادسازی به انضمام آدرس پستی، نشانی اینترنتی و پست الکترونیکی آن‌ها ارائه شده است.

کتابنامه در دو قسمت کتاب‌ها و نشریات تنظیم شده است. کتاب هم‌چنین دارای فهرست الفبایی و نمایه قابل قبولی می‌باشد.

\*\*\*

کتاب مبانی نمایه‌سازی، با توجه به عنوان خود از محتوای قابل قبولی برخوردار است. این کتاب می‌تواند راهنمای خوبی برای افراد مبتدی، نمایه‌سازان حرفه‌ای و دست‌اندرکاران نشر تلقی شود. از آنجایی که مطالب محتوای کتاب با مثال‌های ساده و فراوان همراه شده است، بنابراین فهم آن به سادگی امکان پذیر است. ساختار کتاب کاملاً علمی است که از یک مقدمه کامل شروع و در قالب فصول مختلف به پیوست‌ها و نمایه ختم شده است.

حروف چینی، صفحه‌آرایی و صحافی کتاب از سطح مطلوبی برخوردار است. تنها مشکلی که وجود دارد، عدم استفاده از پانویس است که امتزاج ناموزونی از حروف لاتین و متن فارسی را بوجود آورده است. امید که در چاپ‌های بعدی کتاب مورد توجه قرار گیرد. جادارد از مؤلف محترم آقای محمدی‌فر به خاطر ارائه چنین اثر وزین قدردانی گردد.

یک پیشنهاد دیگری که می‌توان در مورد این کتاب ارائه داد این است که مؤلف می‌توانست در پایان کتاب یک واژه‌نامه فارسی به



● شهرزاد نیاکان. نمایه‌سازی  
ماشینی. تهران: مرکز اطلاعات و  
مدارک علمی ایران، ۱۳۸۳، ۱۳۴  
صفحه، رقعی، شومیز.

بازنمایی مفاهیم در نمایه واژه‌ها و نمایه واژه‌های فرعی به لحاظ  
گزینش مفاهیم، اصطلاح‌گزینی، مترادف‌ها، هم‌نویسه‌ها و شکل  
نمایه واژه‌ها و املاهای آن‌ها توضیح داده می‌شود.  
در قسمت ۸، تنظیم شناسه‌ها و اصول آن ارائه شده است.  
در این قسمت با توجه به استفاده از نرم‌افزارها برای تنظیم  
نمایه قابلیت‌های مورد نیاز چنین نرم‌افزارهایی برای تنظیم  
نمایه‌ها گوشزد شده است. شکل و شمایل ظاهری و قواعد  
تنظیم آن در این قسمت ارائه گردیده است. واژه‌نامه انگلیسی  
به فارسی و منابع فارسی و انگلیسی و هم‌چنین نمایه  
پایان بخش این کتاب است.

\*\*\*

کتاب اصول نمایه‌سازی براساس استاندارد ایزو 999-1996  
هر چند که کم حجم می‌باشد، ولی به لحاظ محتوایی بسیار غنی و  
نظام‌یافته است. از آنجایی که این کتاب براساس یک استاندارد  
خاص تدوین شده است و چندین نفر از متخصصان علوم کتابداری  
و اطلاع‌رسانی آن را مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار داده‌اند، بنابراین  
از کیفیت بالایی برخوردار است، استفاده از مثال‌های فارسی و  
قواعد منطبق بر آن‌ها بر غنای کتاب افزوده است. این کتاب می‌تواند  
برای نمایه‌سازان، دانشجویان و دست‌اندرکاران صنعت نشر مفید  
واقع شود. وجود واژه‌نامه و نمایه دسترسی و استفاده از مطالب را  
آسان کرده است.

کتاب به لحاظ صحافی از کیفیت خوبی برخوردار است، اما  
صحافی نامنظم قسمتی از کتاب از صفحه ۷ تا ۱۱ باعث بوجود آمدن  
مشکل برای خواننده می‌شود. بنابراین ناشران بایستی در این موارد  
دقت لازم را داشته باشند.

براساس استاندارد ISO999-1996 رهنمودهایی در مورد محتوا،  
سازماندهی و نمایش نمایه به زبان فارسی ارائه گردد.  
ابتدا در قسمت ۱، با عنوان «دامنه»، گستره استاندارد مذکور  
توضیح داده شده است که رهنمودهایی در مورد محتوا، سازماندهی  
و نمایش نمایه‌ها ارائه می‌دهد و شامل نمایه‌کتاب، بیانیه، گزارش،  
ثبت اختراع و سایر مواد نوشتاری و چاپی و نیز مواد غیرکتابی، از جمله  
مدرک الکترونیکی، فیلم، صفحه موسیقی، نوار ویدیویی، ماده  
گرافیکی، نقشه و اشیای سه بعدی است.  
در قسمت ۲، منابع پیشنهادی برای استفاده در نمایه‌سازی  
معرفی شده‌اند که ۷ استاندارد در زمینه نمایه‌سازی را در برمی‌گیرد.  
در قسمت ۳، تعاریف مربوط به واژگان مورد استفاده ارائه شده  
است.

در قسمت ۴، هدف نمایه توضیح داده شده و نکاتی راکه بایستی  
نمایه‌سازان به آن‌ها توجه کنند یادآوری شده است.  
قسمت ۵، انواع نمایه را توضیح داده و به نمایه‌های موضوعی،  
پدیدآور، اسامی، جغرافیایی، عنوان و نمایه اعداد و کدها اشاره کرده  
است.

قسمت ۶، رهنمودهایی در مورد کنترل کیفیت نمایه، اندازه و  
جزئیات نمایه، یکدستی در نمایه‌سازی، روابط نمایه‌ساز و پدیدآور  
/ ناشر / کاربر و مواردی نظیر آن مورد توجه قرار گرفته است. این  
قسمت از کتاب به صورت سرورته صحافی شده است، بنابراین  
خواندن آن برای خوانندگان مشکل خواهد بود.

قسمت ۷، محتوا و سازماندهی نمایه را مورد توجه قرار داده  
است. ابتدا محتوا و ساختار کلی نمایه به لحاظ پوشش، یادداشت‌ها،  
تک‌نمایه‌ها و نمایه‌های چندگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس



ادامه همین قسمت آمده است.

در قسمت ۲، تعاریف موجود از نمایه‌سازی ماشینی ارائه شده و در مقابل نقاط ضعف و قوت نمایه‌سازی دستی مورد توجه قرار گرفته است. نقاط ضعف عمده نمایه‌سازی دستی در مقابل نمایه‌سازی ماشینی عبارت‌اند از:

۱. وقت‌گیر بودن
  ۲. عدم یکدستی کامل
  ۳. نیاز به تخصص بالای شخص نمایه‌ساز
  ۴. مشکلات تقسیم نمایه‌سازان به گروه‌های مختلف
  ۵. پرهزینه بودن
- البته شایان ذکر است که هنوز در مورد مزایای مطلق نمایه‌سازی ماشینی نسبت به نمایه‌سازی دستی بحث‌های فراوانی وجود دارد، بنابراین نمی‌توان به راحتی پذیرفت که ماشین می‌تواند جای نمایه‌ساز انسانی را به نحو احسن پر کند. اما می‌توان امیدوار بود که ماشین کمک‌شایانی به انسان داشته باشد. مؤلف کتاب نیز به نقل از کایزر (۱۹۹۳) پایبندی خود به این اصل را ابراز داشته است.
- در قسمت ۳، تجهیزات لازم برای نمایه‌سازی ماشینی معرفی شده است. البته در این قسمت خواننده متوقع است که تجهیزات فیزیکی از جمله ابزارها و وسایل لازم برشمرده شود در حالی که مؤلف در این قسمت ۲ روش استخراجی و استنادی را مورد بحث قرار داده است.
- در قسمت ۴، روش‌های مختلف نمایه‌سازی ماشینی از جمله روش‌های زبان‌شناختی، روش‌های آماری و روش‌های مبتنی بر احتمالات به تفصیل تبیین و تشریح شده است.
- در روش‌های زبان‌شناختی، تجزیه و تحلیل ریخت‌شناسی، معناشناختی و نحوی به بحث گذاشته شده است در روش‌های آماری، روش اون، اسپارک‌جونز، دنیس، سالتون، زیف و بوث بحث و بررسی شده است. در روش‌های مبتنی بر احتمالات، روش هارتر، کوپر و مارون، روبرتسون و دیگران توضیح داده شده است. در قسمت ۵، مقایسه‌ای اجمالی از روش‌های مختلف نمایه‌سازی ماشینی صورت گرفته است. البته با توجه آنچه مؤلف در پیش‌گفتار اشاره کرده است. این مقایسه طبق آنچه که در متون آلمانی آمده صورت گرفته است و ممکن است در مورد متون انگلیسی و یا فارسی تا حدودی تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. در پایان اشاره شده است که همه روش‌ها به طور کلی خالی از نقایص نیستند و هر کدام نقاط قوت و نقص‌هایی دارند.

ترجمه و برگردان متن انگلیسی به خوبی صورت پذیرفته است. از آنجایی که در پیش‌گفتار به آدرس متن اصلی اشاره شده است، بنابراین افراد می‌توانند در صورت لزوم به متن اصلی مراجعه کنند.

کتاب نمایه‌سازی ماشینی علاوه بر فهرست مطالب، جداول، تصاویر و مقدمه از ۹ قسمت تشکیل شده است که فهرست منابع و نمایه نیز پایان بخش کتاب می‌باشد. این کتاب در واقع نتیجه یک تحقیق و بررسی است که توسط مؤلف در زمینه نمایه‌سازی ماشینی با عنوان «امکان‌سنجی نمایه‌سازی ماشینی در مرکز اطلاع‌رسانی جهاد کشاورزی» انجام شده و با افزودن ترجمه‌ای از برخی منابع لاتین که به اذعان مؤلف به زبان آلمانی بوده‌اند، به صورت کتاب کنونی درآمده است. قسمت‌های نه‌گانه کتاب عبارت‌اند از:

۱. تاریخچه نمایه‌سازی ماشینی
  ۲. تعریف نمایه‌سازی ماشینی
  ۳. تجهیزات لازم برای نمایه‌سازی ماشینی
  ۴. بررسی روش‌های مختلف نمایه‌سازی ماشینی
  ۵. مقایسه اجمالی روش‌های مختلف نمایه‌سازی ماشینی
  ۶. بررسی الگوهای اجرایی استفاده از نمایه‌سازی ماشینی
  ۷. بررسی امکانات لازم جهت استفاده از نمایه‌سازی ماشینی
  ۸. مشکلاتی که ممکن است در حین نمایه‌سازی ماشینی با آن‌ها مواجه شویم
  ۹. نتایج حاصل از بررسی مراحل نمایه‌سازی ماشینی
- در مقدمه کتاب، مؤلف پس از اشاره مختصر به اهمیت نمایه‌سازی ماشینی، درباره کتاب چنین آورده است: «کتاب حاضر بخشی از تحقیقات نگارنده در دوران تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی است که به صورت پایان‌نامه با عنوان «امکان‌سنجی نمایه‌سازی ماشینی در مرکز اطلاع‌رسانی جهاد کشاورزی» در سال ۱۳۸۱ در دانشگاه تهران ارائه گردید و به صورت تمام متن در سایت مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران موجود می‌باشد. هنگام ترجمه منابع لاتین که عمدتاً به زبان آلمانی می‌باشد برای درک بیشتر خواننده فارسی زبان، سعی شده است از مثال‌های فارسی نیز استفاده شود.
- در قسمت ۱، به صورت مختصر تاریخچه نمایه‌سازی ماشینی مورد بررسی قرار گرفته و به طرح‌های موفق در اجرای نمایه‌سازی ماشینی اشاره شده است. پیشینه پژوهش در ایران و جهان نیز در



الف - یک بحث علمی جدید را با استفاده از اطلاعات داخل کشور و مطالب و یافته‌های خارج از کشور در هم آمیخته و ترکیب قابل قبولی ارائه داده است.

ب - نمایه‌سازی را نه صرفاً در مرحله ذخیره اطلاعات، بلکه در مرحله بازبایی نیز مورد توجه قرار داده و مباحث نظری و فرمول‌های آماری منطبق با آن را ارائه داده است که می‌تواند در نظام‌های ماشینی ذخیره و بازبایی اطلاعات مورد استفاده قرار گیرد. آنچه که در مورد این کتاب قابل ذکر است اینکه متن آن از رسایی لازم برخوردار است، از صحافی، صفحه‌آرایی و نظم منطقی مناسبی بهره برده است، مثال‌های ارائه شده به زبان فارسی و منطبق با اطلاعات خوانندگان، خوانایی کتاب را افزایش داده است.

اما فصل بندی کتاب در قالب یک مقاله انجام پذیرفته است، انتظار می‌رود که یک کتاب دارای چندین بخش و فصل و زیرفصل‌های مربوطه باشد.

در کتاب حاضر قسمت‌ها بدون تفکیک از هم با شماره‌گذاری و به دنبال هم آورده شده است و چه بسا برای خوانندگان خسته‌کننده باشد. و در برخی جاها مانند قسمت ۳ و قسمت ۷ که به بررسی تجهیزات و امکانات پرداخته شده است عناوین و مطالب محتوای آن‌ها هماهنگ نیستند.

نکته قابل ذکر دیگر اینکه، در مقدمه آمده است که این کتاب بخشی از تحقیقات مؤلف است و انتظار می‌رفت که حداقل به عمده یافته‌های تحقیق مذکور اشاره شود و این کار صورت نگرفته است. کتاب دارای واژه‌نامه نمی‌باشد و با توجه به اینکه برخی از مطالب از زبان آلمانی ترجمه شده است و وجود یک واژه‌نامه آلمانی - فارسی نیز ضرورت داشت. روی هم رفته کتاب از کیفیت قابل قبولی برخوردار است ولی برای اینکه بتواند در سطح خوانندگانی که خیلی فنی نیستند مورد استفاده قرار گیرد نیاز به ساده‌نویسی بویژه در قسمت مربوط به روش‌های نمایه‌سازی دارد.

#### مقایسه چهار کتاب

چهار کتابی که در حوزه نمایه‌سازی منتشر شده‌اند و نقد و بررسی هر

در قسمت ۶، الگوهای اجرایی استفاده از نمایه‌سازی ماشینی معرفی شده است. طرح CTX، طرح TCS، طرح AIR/X، طرح AIR/PHY، طرح PADOX-Test و طرح DPA از جمله طرح‌هایی است که در این قسمت معرفی شده‌اند.

در قسمت ۷، بررسی امکانات لازم جهت استفاده از نمایه‌سازی ماشینی انجام شده است. به نظر می‌رسد که این قسمت مراحل انجام کار را توضیح می‌دهد تا امکانات لازم و به این جهت با قسمت ۳ - که بحث آن گذشت می‌توانست در یک جا آورده شود و علاوه بر آن انتظار خواننده از تجهیزات و امکانات را با تعریف دقیق آنچه که مورد بحث قرار می‌گیرد روشن‌تر می‌ساخت. به هر حال در این قسمت با استفاده از جداول و فرمول‌های آماری و مثال‌های لازم مراحل کار نمایه‌سازی ماشینی توضیح داده شده است.

در قسمت ۸، مشکلات احتمالی یا متغیرهای دخیل در نمایه‌سازی ماشینی آورده شده است که عبارت‌اند از:

۱. چند زبانه بودن مدارک
۲. عدم محدودیت در موضوعات و عناوین ورشته‌ها
۳. سطح غیر تخصصی زبان مدرک
۴. مدارک بسیار قدیمی با لغات منسوخ موجود در آن‌ها
- در قسمت ۹، با عنوان نتایج حاصل از بررسی مراحل نمایه‌سازی ماشینی، مراحل آن به طور خلاصه آورده شده است که عبارت‌اند از:

۱. ذخیره اطلاعات
۲. تشخیص اطلاعات
۳. تفکیک اطلاعات به پاره‌های اطلاعاتی
۴. مقایسه پاره‌های اطلاعاتی
۵. طبقه‌بندی
۶. انتخاب

فهرست منابع فارسی و لاتین و نمایه پایانی آخرین قسمت این کتاب را تشکیل می‌دهد.

\*\*\*

کتاب نمایه‌سازی ماشینی دو ویژگی بسیار مهم دارد.



خوانندگان داخلی آن را ترجمه و مثال‌هایی را افزوده است قابل تقدیر است و راجع به محتوای آن خیلی نمی‌توان قضاوت کرد. تنها می‌توان این کتاب را به عنوان یک دستنامه برای خوانندگان توصیه نمود.

کتاب نمایه‌سازی ماشینی همان‌گونه که شرح آن گذشت بحث نوینی را پیش کشیده و در این راستا از روش‌های مختلف نیز غفلت نکرده است. بنابراین به عنوان یک گام نخست برای تألیفات بعدی در این زمینه تلقی می‌شود. زیرا به صورت عملی به نمایه‌سازی ماشینی نپرداخته است بلکه تعاریف و معرفی روش‌ها را مورد توجه قرار داده است. بنابراین انتظار می‌رود که مؤلف محترم و یا صاحب‌نظران این حوزه گام‌های عملی‌تری بردارند.

نکته‌ای که علاوه بر محتوای این چهار کتاب مورد توجه قرار می‌گیرد، ناهمخوانی شدید این کتاب‌ها به لحاظ ساختار درونی کتاب‌هاست. بخش‌بندی‌ها، فصل‌بندی‌ها، پیوست‌ها و نظیر آن هر کدام به یک شیوه‌ای خاص است، این ضعف به ناهماهنگی مفرط در صنعت نشر برمی‌گردد که هنوز قالب قابل قبولی برای ساختار کتاب تعریف نکرده است و این چالش بزرگی برای انتقال اطلاعات در عصر کنونی است. زیرا دنیا به سوی هر چه استاندارد بودن پیش می‌رود. ما کتاب‌های مورد نظر به عنوان نمونه‌ای از نابسامانی حاکم بر صنعت نشر، ضرورت توجه جدی دست‌اندرکاران به این امر را گوشزد می‌نماید.

در پایان از همه مؤلفان که در این نقد و بررسی آثار آنها مورد استفاده قرار گرفت، تشکر و سپاسگزاری نموده و نقد را صرفاً به عنوان نوعی نگاه صادقانه به آثار می‌نگرد نه چیز دیگر.

پانوشته‌ها:

\*hasanzadeh@modares.ac.ir

۱. به نظر می‌رسد که واژه استاندارد به صورت اشتباهی به جای استاندارد تایپ شده باشد، به دلیل اینکه در فهرست مندرجات واژه «استانداردهای بین‌المللی» آمده است.

کدام از آنها پیشتر ارائه گردید، بیش از هر چیز نشان از توجه جامعه علمی کشور بویژه جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی به بحث ذخیره و بازیابی اطلاعات و نمایه‌سازی است. این چهار کتاب تنها اشتراک مفهومی که با همدیگر دارند لفظ نمایه‌سازی است، ولی به لحاظ نحوه پرداخت به این موضوع و مطالب محتوایی متفاوت هستند. کتاب هنر نمایه‌سازی سعی داشته است که تلفیقی از نظر و عمل را ارائه دهد و استانداردهای موجود را نیز معرفی کند، ولی در این زمینه تا حدودی موفق بوده است. پراکنده‌گی مطالب و عدم امتزاج کامل مطالب بخش‌های مختلف و شکل غیرعادی کتاب مشکلاتی را برای خواننده فراهم آورده است. پیروی از سبک کتاب یا منبع اصلی بدون هماهنگی ساختن کامل آن با ویژگی‌های خوانندگان داخلی و عدم وجود پانویس‌ها و نظیر آن مشکلات جدی برای این کتاب بوجود آورده و قراردادن لفظ تألیف در عنوان کتاب را با تردید جدی روبرو کرده است. به هر حال با این تفاسیل می‌تواند برای درک بسیاری از مفاهیم نمایه‌سازی کمک‌شایانی به علاقه‌مندان داشته باشد.

کتاب مبانی نمایه‌سازی با توجه به دید تألیفی واقعی که به نمایه‌سازی داشته است، موفق‌تر از مورد اول بوده است. تجربه نگارنده در امر نمایه‌سازی، ارائه مثال‌های واضح و روشن درباره مطالب فهم مطالب را برای خواننده آسان‌تر کرده است. در جای‌جای کتاب مثال‌های فراوانی وجود دارد که خواننده را حتی از خواندن متن کتاب بی‌نیاز می‌کند. اما پرداخت وسیع مؤلف به مفهوم سیاهه و ترجمه آن به فهرست در فصل غیر ضروری به نظر می‌رسد به جای آن مؤلف می‌توانست مبانی نظری نمایه‌سازی و چارچوب‌های موجود و جایگاه نمایه‌سازی در ذخیره و بازیابی اطلاعات را مورد توجه قرار دهد که شایسته عنوان «مبانی نمایه‌سازی» نیز بود. اما این موارد از ارزش‌های این کتاب و حسن توجه و مهارت مؤلف در شکل‌دهی به مطالب نمی‌کاهد و همچنان به عنوان بهترین کتاب در بین این مجموعه تلقی می‌شود.

کتاب اصول نمایه‌سازی بر اساس استاندارد ایزو ۹۹۹-۱۹۹۶ از آنجایی که یک استاندارد را مورد توجه قرار داده و با توجه به نیاز